نیمه پنهان کشمیر – ۲۲

روزهـــای اقامـــت در دهـــلی

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

من اوقاتم را بیشتر با سایر دانشجویان کشمیری می‌گذراندم. ما داســتان‌هایی را در مورد تجربیات جنگی در سرزمینمان با هم در میان می‌گذاشتیم.

پسری از سرینگر در مورد اینکه چگونه توانست در طول دوران حکومت نظامی شطرنج و «بریج» یاد بگیرد صحبت می‌کرد.

یک دانشجوی دیگر از شمال کشمیر در مورد اینکه چگونه پس از آنکه نیروهای هندی مورد حمله قرار گرفتند او همراه با خانواده‌اش ساعت‌ها در انبار خانه‌شان مخفی شده بود صحبت کرد.

یکی دیگر در مورد خســتگی روحی و فکری مفرط از اقامت در خانه پس از غروب آفتاب حرف می‌زد.

یکی دیگر در مورد داســتان یــک مرد دیوانه سخن به میان آورد که عادت داشت شب‌ها در شهر خودش قدم بزند که توسط یک نیروی گشتی کشته شــد. تماس‌های تلفنی با خانه و دید و بازدیدهای تعطیلات تابستان و زمستان باعث می‌شد تا سال به سال فجایع بیشتری را شنیده و شاهد باشیم.

یکی از آن روزها دیدار با دوســتی در شــهر «بیج‌بی‌هارا» بود. من نزدیک یک قبرستان ایستادم در این‌جا تعداد زیادی از تظاهرکنندگان که در اثر تیراندازی نیروهای شبه نظامی کشته شده بودند به خاک سپرده شده‌اند.

متوســط سن کسانی که کشــته شده بودند ۱۸ سال بود. من به کالج در علیگره برگشتم. اوقاتم بسیار کســل‌کننده و ملال آور شده بود. دانشگاه کتابخانه بسیار غنی داشت. من پژواک‌های کشمیر را در صفحات آثار همینگوی، اُورِوال، داستایوفسکی و تورگنیف می‌شنیدم. از خودم می‌پرسیدم آیا کسی می‌تواند همانند آنها در مورد کشــمیر همچنین قلم‌فرسایی کند؟ اما من این ایده را فقط برای خودم محفوظ نگه داشته بودم. نمی‌توانستم همان طوری که خانواده‌ام می‌خواستند یک مامور و کارمند دولت شوم. به نظر می‌رسید علیگره چیز زیادی در چنته نداشت تا مرا اقناع کند.

من گزارش‌هایی در مورد نمایشگاه‌های کتاب، جشنواره‌های فیلم و کارگاه‌های تئاتر در رسانه‌های دهلی خوانده بودم.

به مادرم زنگ زدم و به او گفتم که من تمایلی ندارم که خودم را برای آزمون خدمات کشــوری آماده کنم.

او گفت: پدرت همیشه می‌خواست تو در خدمات کشــوری باشی، بحث‌ها و جدل‌های خانوادگی در این مورد چندماه ادامــه پیدا کرد و بالاخره ما به تفاهم رسیدیم.

من می‌توانستم در رشته وکالت تحصیلاتم را دنبــال کنم و در عین حال خــودم را برای آزمون خدمات کشــوری آمــاده نمایــم و در وقت‌های اضافه نویســندگی را دنبال کنم. در نهایت بعد از کش و قوس‌هــای زیاد من در دانشــکده حقوق دانشگاه دهلی بودم. این راه ماندن در دهلی بود تا من امکانات و فرصت‌های نوشتن را کشف کنم. برادر کوچک‌ترم هم داشت ادبیات آلمانی را در دانشگاه دیگری می‌خواند.

فصل پنجم

در اولین روز اقامتم در دهلی از منطقه «کانات پلس» یک بازار و مرکز تجاری رو زمینی و زیرزمینی دایره‌ای‌شکل در مرکز شهر دهلی دیدن کردم.

واقعا شوکه شدم، ساختمان‌ها خیلی بزرگ به نظر می‌رسیدند، جاده‌ها بسیار پرازدحام بودند، یک روز بسیارگرم در ژوئن بود هیچ بادی نمی‌وزید، هیچ سایه‌ای در دور و بر نبود.

در اولیــن روز اقامتــم در دهلی از منطقه «کانات پلــس» یک بازار و مرکز تجــاری رو زمینی و زیرزمینی دایره‌ای‌شــکل در مرکز شــهر دهلی دیدن کردم. واقعا شــوکه شدم، ســاختمان‌ها خیلی بزرگ به نظر می‌رســیدند، جاده‌ها بســیار پرازدحام بودند، یک روز بسیارگرم در ژوئن بود هیچ بــادی نمی‌وزید، هیچ ســایه‌ای در دور و بر نبود...

اتوبوس‌های دیزلی ابرهای سیاهی از دود را در آســمان شهر پراکنده کرده بودند، در این بین من یک حس آزاد و رهاشدگی را داشتم احساسی که می‌توانستم به خودم آنچه را لازم بود بیاموزم.

من بیشــتر ســالِ اول را در دانشکده حقوق صــرف خواندن ادبیات و آثار روزنامه نگاری کردم. دهلی کتابخانه‌های غنی و بی‌شماری داشت اما آن بازارکتاب‌های دست دومش در روزهای یکشنبه در «دریا گنج» واقعا محشر بود.

در اواســط سال ۲۰۰۰ من دانشکده حقوق را ترک کرده و اولین شــغلم را با کار در یک ســایت خبری شــروع کردم. پس از یک هفته با درس‌ها و آموزش‌هایی که از سردبیرانم آموخته بودم برای پوشش خبری عازم کار شدم.

ســعی کردم، شکســت خوردم، سعی کردم، شکســت خوردم و بالاخره یــاد گرفتم به عنوان خبرنگار دوام و بقا داشته باشم.

در کار گزارشــگری مــن نیــاز به ســفرهای درون‌شهری و جابه‌جایی‌های زیادی در داخل شهر داشتم اما با اتوبوس‌های پرازدحام دهلی بی‌حوصله شده و صبرم را از دست داده بودم.

پــس از اینکه اولین حقوقم را دریافت کردم اقدام به خرید موتورســیکلت دست‌دوم از یک دوست کردم. سردبیرم همه‌اش غُرولند می‌کرد که «تو برای پوشــش خبرهای دســت اول باید سریع باشی. دهلی باید سریع تراز جاهای دیگر باشد».

من اغلب وقتی با موتورسیکلت پشت چراغ قرمز می‌ایســتم یاد «روسکین باند» (نویسنده هندی) می‌افتم. باند نوشــته بود: «در دهلی شما یا اولین هستید یا بازنده‌اید».

من نمی‌خواستم بازنده باشم. به محض اینکه چراغ‌ها سبز می‌شــدند کلاچ را رها، گاز را تا آخر گرفته و از دل شلوغی‌ها و جمعیت عبور می‌کردم.

من در یک اتاق زیر شیروانی در جنوب دهلی که ۱/۵ کیلومتر با دفتر کارم فاصله داشت زندگی می‌کردم. پــس از کار روزانــه در اوقات فراغت با دوســتانم در دانشگاه نزدیک محل اقامتم دور هم جمع می‌شدیم. این دانشگاه از معدود اماکنی است کــه فضای باز سیاســی دارد. پلیس دهلی که در نشانش نوشته شده: «همیشه، با شما و برای شما» در این حال شهرتی را سال‌ها برای ایجاد درگیری‌هایِ ساختگی با تروریست‌هایِ کشمیری به هم زده بود.

الان می‌فهمم که چرا مرا به یک دانشگاه مسلمان ایالتی رو به احتضار فرستاده‌اند نه یک کالج در دهلی.

بــه تدریج با دهلی انس پیــدا کرده بودم. تازه داشتم نحوه نوشتن را می‌آموختم و دسترسی بهتری به کتاب‌ها و مردمان بــا فرهنگ پیدا کرده بودم. من تازه داشتم با هند و هندی‌های مختلفی آشنا می‌شدم، هندی که بی‌شباهت به قدرت نظامی‌اش در کشمیر بود.

هندوســتان اقتصــادش را در اوایل دهه ۹۰ میــلادی بــه روی جهانیان باز کرد. شــبکه‌های تلویزیونی ۲۴ ساعته اخبار و تعداد زیادی از مجلات به طور قارچ‌گونه رشد کردند. مجریان و گزارشگران از قربانیان فجایع سؤالاتی با لهجه ساختگی آمریکایی نظیر اینکه «خب حالا آنچه حسی دارد؟» می‌کردند.

در پایتخت تازه به دوران رسیده هند می‌توانستید شاهد شب‌های دی.جی، نمایشگاه‌های لوی و نوکیا باشید. اما هند قدیم و ساختار قدرت‌اش همچنان پابرجا بود و از بین نرفته بود.

در همسایگی من دانشجویان زیادی بودند که از شهرهای کوچک و روستاهای هند آمده بودند، آنها زندگی بسیار ســاده‌ای داشتند و خودشان را برای آزمون پررقابت خدمات کشوری هند (کنکور) آماده می‌کردند.

آنها کتاب‌های درسی و انواع کتاب‌های کمک درسی را برای ۴ یا ۵ سال دوره کرده بودند، خودشان را بــا انواع نوشــیدنی‌های قدیمــی و ارزان‌قیمت می‌ساختند و در آن حال به سقف اتاق‌های کوچک و بسته خیره شده و رویای نشستن پشت میز منصب دادرس ناحیــه را می‌دیدند که توســط گاردهای نظامی، خدمتکاران، راننده‌ها احاطه شده و با اشاره چشم، سر و دست، اوامر آنها را به اجرا در می‌آورند.

آنها خــواب خانه‌های ویلایی با ماشــین‌های «آمباسادور» سفید آژیردار و چراغ‌های گردان قرمز را می‌دیدنــد که دور و برشــان را پُر کرده‌اند، آنها رؤیای قدرتی را می‌دیدند که ظرف چند سال کل یک منطقه را با یک میلیون نفر جمعیت و صدها روستا به آنها سپرده‌اند.

در قلــب دهلی نزدیک جانترمانتار من هر روز گروه‌های از مــردم عاجز و درمانده را می‌دیدم که با نوشته‌های پارچه‌ای یا پلاکاردهای مقوایی برای رسیدگی به بی‌عدالتی‌ها، مشکلات و خواسته‌هایشان در پله‌هایِ ادارات نشسته و خواهان توجه مسئولان مربوطه بودند. هندوستان سرزمین عجیب و غریب و فریبنده‌ای است.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۹۴

انتخاب سردبیر مجله جدید کنگره

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

کریســتول علی‌رغم جثه کوچکش مواضع سیاسی سترگی داشت که معمول دانشجویان کارشناسی ســیتی کالج بود و آمادگی پریدن [در وسط دعوا و منازعات سیاسی و حمله] به مخالفان را داشــت. این ویژگی‌ها باعث شد که به او لقب روشنفکر قلچماق بدهند.

بعد از آن که در سال ۱۹۴۰ با درجه عالی از دانشــگاه فارغ‌التحصیل گردیــد، به عنوان مســئول باربری در شیکاگو مشــغول به کار شــد و به ویرایش مجله تروتسکیستی (سابق) «اینکوایری» کمک کــرد تا اینکه به خدمت فرا خوانده شــد. او در ســال ۱۹۴۴ به عنوان ســرباز پیاده به ارتش رفت، در فرانسه و آلمان جنگید و در سال ۱۹۴۶ مرخص شد. سپس به انگلســتان رفته و برای «کامنتری» کار کرد و بعد در ســال ۱۹۴۶ به نیویورک برمی‌گشت تا مدیر مسئول آن شود.

نامزد بریتانیایی سردبیری مشترک مجله یاد شــده، استیون اسپندر بود. در سال ۱۹۰۹ در یک خانواده لیبرال مشــهور متولد گردید. او بچگی محافظت شــده‌ای را پشت سر گذارد («پدر و مادرم مرا از بچه‌هایی که خشن بودند دور نگه می‌داشــتند») نوشته‌هایش طبیعتی آرام و شــاعرانه داشت و علاقه‌مند به ایده‌های آرمان‌گرایانــه و خیال‌پردازانــه بــود. در دهه ۱۹۲۰ به آکســفورد رفت و تا آخر عمر تحت تأثیر دبیلیــو اچ اودن قرار گرفت و خیلی زود با انتشــار اولین کتاب خود، اشعار[1]، که حال و هوای سیاســی و جنسی دوران جنگ را نشان می‌داد، به شــهرت رسید. اسپندر بلافاصله با اودن، سِسِــیل دِی لوئیس و لوئی مک‌نیس به عنوان شاعر دهه سی (دهه‌ای که سیاست را به عمیق‌ترین اتاق‌های ادبیات برد و شاهد پیوستن اسپندر به حزب کمونیست البته فقط برای چند هفته بود) شناخته شد. او بیش از هر فرد دیگری «از مقربان انگلیسی درگاه بُلشِویسم (ایدئولوژی لنین و انقلاب شوروی)» بود، که این هم نمونه‌ای از سیاست پروانه‌گونه[2] اسپندر به نظر می‌آمد. او بعدها توضیح داد که تغییر در باورها و تعهدات [مکتبی] من «ریشــه در ضعف شخصیتی و آزادی‌خواهی وصف‌ناپذیر من داشت».

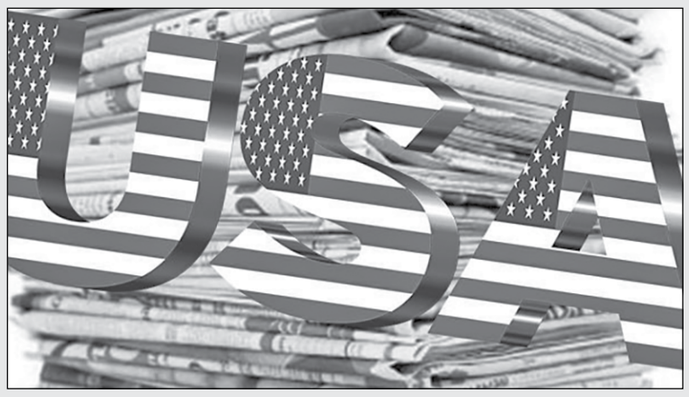

آنیتا کِرمود در توصیف اسپندر گفته معروف هنری جیمز پدر (درباره امرســون)، که می‌گوید او «در یک مســیر بی‌هزارتوی اســت»، را وارونه کرده و گفته اســت او «در یک هزارتوی بی‌مسیر [و هدف][3]» اســت. جمله دیگر جیمز که واقعاً با حال اسپندر تناسب داشــت: «او مانند یک مرد بدون ترمز» بود. اسپندر بعدها حدس زد که دلیل انتخاب او برای ســردبیری مشترک مجله جدید کنگره «نتیجه مقاله خدایی که شکســت خورده بود». شــاید بیش از انکار کمونیسم، رابطه مثبت اسپندر با ایالات متحــده، او را به یک نامزد ایده‌آل بدل ســاخت. در سال ۱۹۴۸، اسپندر ســتایش‌نامه‌ای به آمریکا نوشــت – متنی با عنــوان «ما می‌توانیم در نبــرد برای [کنترل] ذهن اروپا پیروز شویم»- که در آن ادعا کرده بود: آنجا که سیاســت آمریکا، متحدینی مردد و دوســتانی دودل می‌یابد، آزادی بیان آمریکا امروز از اعتباری برخوردار است که می‌تواند بر حیاتی‌ترین تفکر اروپایی چیره شود.... اگر آمریکا این کار را انجام دهد، می‌تواند نقش آموزشی در اروپای امروز به خود گرفته و هزاران درس آموز را به بهترین درک از تمدن آمریکایی و مفهوم آمریکایی آزادی برســاند. امروز واقع‌بینانه این است که هیچ انتظاری از پروپاگاندا و چماق‌های سیاسی نداشته باشــیم.... بلکه می‌بایست در نشان دادن بزرگ‌ترین دســتاوردهای معاصر آمریکا در تمدن، آموزش و فرهنگ مشــارکت به دست‌آوریم. [تبلیغ و ارعاب به اندازه معرفی دستاوردهای آمریکا کارگر نخواهد بود].

اســپندر که به سختی می‌توانست هیجان خــود را مهار کند، ادامه داد: «یک کلمه‌ای که از زبان یک آمریکایی و یا یک ادیب انگلیســی جاری می‌شــود» توسط دانشــجویان اروپایی «تقریباً چیزی معجزه‌آســا» به حساب می‌آید. او نوشت؛ طرح مارشــال خوب و عالی بود اما «در کنار آن ضروری است تمدن قدیمی غرب در اروپــا را با ایمان و تجربــه و دانش اروپای جدید (که آمریکاســت) تقویت کنیم». چنین احساساتی توسط بسیاری از روشنفکران غربی دیگر تکرار شــد. ریموند آرون اعلام کرد که او «کاملاً متقاعد شده برای ضد استالینیست‌ها راه گریزی از پذیرش رهبری آمریکا وجود ندارد».

اسپندر بعدها حدس زد که دلیل انتخاب او برای سردبیری مشترک مجله جدید کنگره «نتیجه مقاله خدایی که شکست خورده بود». شاید بیش از انکار کمونیسم، رابطه مثبت اســپندر با ایالات متحده، او را به یک نامزد ایده‌آل بدل ســاخت. در سال ۱۹۴۸، اسپندر ســتایش‌نامه‌ای به آمریکا نوشــت – متنی با عنوان «ما می‌توانیم در نبرد برای [کنترل] ذهن اروپا پیروز شویم» – که در آن ادعا کرده بود: آنجا که سیاست آمریکا، متحدینی مردد و دوســتانی دودل می‌یابد، آزادی بیان آمریکا امروز از اعتباری برخوردار اســت که می‌تواند بر حیاتی‌ترین تفکر اروپایی چیره شــود...

پانوشت‌ها:

۱- Poems

۲- سیاســت پروانه‌ای یعنی مثل پروانه از شاخه‌ای به شاخه دیگر و از مکتبی به مکتبی دیگر می‌پرید و ثبات فکری نداشت.

۳- شــعر ســعدی را تداعی می‌کند که می‌گوید: صد انداختی تیر و هر صد خطاســت/ اگر هوشمندی یک انداز و راست.

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

قابل توجه مشتریان محترم
لطفاً قبل از پرداخت مبلغ آگهی از هویت مامور وصول مطمئن و در صورت لزوم با تلفن ۳۳۱۱۲۱۹۷ تماس بگیرید
اداره وصول مطالبات روزنامه کیهان

کوناکون

مشارکت و همراهی در سفر
جهت تجارت در بازارهای اروپایی
افتخاری ۸۱۴۴۹۵۸-۰۹۱۲

رستوران رادیکال پنج لواسان ابتدای جاده فشم
* آماده پذیرایی از جشن‌ها و مهمانی‌ها
تعدادی نیرو جهت کار آشپز، تخته کار و کباب پز نیازمند است.
۰۹۳۶۳۰۴۸۸۰۳
۰۹۲۱۸۹۸۴۳۸۳

آگهی‌های مفقودی

(نوبت اول)
گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره پیش فاکتور ۱۴۰۰۰۲۰۶۹۷۹ و شماره فاکتور ۱۴۰۰۰۰۲۳۷۴۰۷ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۶۹R۲۹۴۶۳۶ و شماره موتور ۱۲۴۸۸۰۹۷۱۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

یک پلاک وانت پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۶۴۸ ص ۷۸ ایران ۱۸ و شماره موتور ۱۱۵۳۸۱۰۰۱۰۵ و شماره شاسی ۸۱۹۶۰۰۵۱ بنام مهدی ناصری راد به شماره ملی ۳۸۷۵۰۸۱۳۰۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

سند کمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ شماره انتظامی ۲۱۸ ی ۶۷ ایران ۴۰ شماره موتور ۱۴۱۹۰۰۵۰۱۵۶ شماره شاسی NAAP۰۳ED۳BJ۵۳۷۸۵۳ بنام رسول هامون گردی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
بویین زهرا

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری سایپا تیبا به شماره پلاک ۹۱۹ م ۴۵ – ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۸۲۱۰۶۱۹ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰F۵۸۴۷۳۵۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

برگ سبز سند ماشین سواری _ سواری سیستم: ام. وی. ام تیپ: ۱۱۰SQR۷۱۱_S۱۱ مدل: ۱۳۹۱ رنگ: سفید شماره موتور: MVM۴۷۲FGA۰۲۷۵۶۴ شماره شاسی: NATEBAFB۱A۱۰۰۷۵۱۱ شماره پلاک ایران ۶۹ _ ۳۴۹ ج ۷۱ بنام مصطفی عنایت مهری با کد ملی ۲۲۳۰۱۰۱۸۰۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری کوئیک MT هاچ بک مدل ۱۴۰۱ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ۶۱۲ م ۲۸ ایران ۱۸ و شماره موتور M۱۵/۹۷۵۳۸۶۳ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰N ۳۳۳۸۳۳۲ بنام مهدی رحیمی نواب شماره ملی ۳۸۷۵۵۷۰۴۹۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

اینجانب محبوبه پاپری بیباک مالک سواری پژو پارس TU۵ به شماره انتظامی ۵۴د۷۹۴ ایران ۹۳ موتور ۱۳۹B۰۰۷۴۶۵۰ شاسی NAAN۱۱FC۶EK۶۹۰۹۸۴ به علت مفقودی سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات تقاضای رونوشت المثنی نموده‌ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. ضمنا مــدارک مفقود شــده، فاقــد اعتبار است. مدت اعتبار این آگهی یکسال است. (شیراز)

برگ سبز سند ماشین سواری ال ایکس مدل : ۱۳۸۸ رنگ: سفید _ روغنی شماره موتور: ۱۲۴۸۸۰۸۸۰۹۹ شماره شاسی: NAAC۹۱CC۳۹F۸۰۴۰۸۵ شماره پلاک ایران ۶۹ _ ۱۷۳ ق ۱۷ بنام شعبانعلی کردجزی با کد ملی ۲۲۴۹۷۱۵۶۰۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید دی ام (هاچ بک) مدل۱۳۵۷ به شماره پلاک ۹۸۶ب۵۳ ایران ۵۳ وشماره موتور ۰۰۰۱۱۵۹۸ وشماره شاسی S۱۴۴۲۲۷۵۱۲۵۰۱۹ به نام محمد کاظمی اسفه به کد ملی۱۲۹۲۳۸۷۸۸۲ مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت اول
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب فریبا ملک‌زاده شوشتری فرزند عبدالرضا به شماره شناسنامه ۱۱۹ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از واحد دانشگاهی آزاد مسجدسلیمان با شماره ۸۰۱۷۰۰۶۶۵۸۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان به نشانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان.
نشانی: مسجدسلیمان، سه‌راهی سد شهید عباسپور، فلکه دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

برگ سبز سواری سیستم سایپاتیپ ۱۳۱ SE* رنگ سفید_ روغنی مدل۱۳۹۴ به شماره موتور ۵۴۳۶۵۲۵ و شماره شاسی NAS۴۱۲۱۰۰F۱۱۴۷۷۴۳ وشماره پلاک ۳۱۷ ن ۹۲ ایران ۲۴ بنام عبدالساده حرامشه مفقودوازدرجه اعتبار ساقط است. شوشتر

کلیه مدارک ماشین سواری سیستم: سایپا تیپ: SL۱۳۱ مدل : ۱۳۹۰ رنگ: سفید _ روغنی شماره موتور: ۴۰۴۲۲۹۱ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۹۰۷۴۸۱۵۹ شماره پلاک ایران ۵۹ _ ۴۷ د ۳۹ بنام محمد رضا نظری با کد ملی ۲۱۲۲۲۲۹۱۳۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

«آگهی مزایده نوبت اول»
اداره اوقاف و امور خیریه اسلامشهر در نظر دارد ۲ دستگاه آپارتمان و ۱ باب مغازه را از طریق آگهی مزایده به شرح ذیل به اجاره واگذار نماید.
۱- رقبه عرصه و اعیان یک باب آپارتمان مسکونی از موقوفه زین‌العابدین و فاتح برکت واقع در چهاردانگه خیابان زارع کوچه بلوط کوچه کاج پلاک ۲ قطعه ۱۱ طبقه اول جنوبی واحد ۲ بمساحت ۸۳/۶۶ مترمربع با اجاره ماهیانه ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- رقبه عرصه و اعیان یک باب آپارتمان مسکونی از موقوفه زین‌العابدین و فاتح برکت واقع در چهاردانگه خیابان زارع کوچه بلوط کوچه کاج پلاک ۲ قطعه ۱۱ طبقه اول شمالی واحد ۱ به مساحت ۷۲/۱۳ مترمربع با اجاره ماهیانه ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- رقبه عرصه و اعیان یک باب مغازه از موقوفه تابش‌نیا واقع در اسلامشهر خیابان محمدیه خیابان امام جعفرصادق(ع) جنب مسجد پلاک ۵۸ به مساحت ۱۴/۲۲ مترمربع با اجاره ماهیانه ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۴- رقبه عرصه و اعیان یک باب آپارتمان تجاری از موقوفه قدیمی نوران واقع در اسلامشهر خیابان مهدیه بین کوچه ۱۵ و ۱۷ پلاک ۲۰۲ طبقه فوقانی به مساحت ۶۰ مترمربع با اجاره ماهیانه ۱۰۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال
روز بازدید سه‌شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ ساعت ۱۰ الی ۱۱ و آخرین روز شرکت تا پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه ۱۴۰۳/۱۲/۹ خواهد بود. متقاضیان می‌بایست به آدرس اسلامشهر خ زرافشان خ امامزاده عقیل(ع) روبروی ترمبار(کلانتری ۱۵) اداره اوقاف اسلامشهر یا در سامانه میز خدمت سازمان به نشانی (my.oghaf.ir) اقدام نماید. تلفن تماس ۵۶۳۵۹۱۱۴

استخدام

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

لوازم یدکی خودرو

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (با سند) همه قیمت موجود می‌باشد
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷- ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور- چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

بنایی و خدمات ساختمانی

خرید و فروش انواع خودرو

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۳۸۷

ایزوگام- قیرگونی آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

فروش و پرورش ماهی
۱۵۰تنی ۱۰۰ لیتر در ثانیه آب چاه قابل شرب ۴۰۰آمپر برق ۱۰۰کیلومتری تهران امکان تهاتر دارد سند تک برگ
۰۹۱۹۲۱۰۰۰۹۸

دعوت به همکاری
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
- واحد فنی: ۴ نفر مرد — با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد — با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ — ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشــارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کاربردی ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما
با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید